

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ جولای ۲۰۲۲

"عشر تنفس" یا "اجازه نفس کشیدن"!

سه شنبه - ۲۱ سرطان ۱۴۰۱ - کابل: امروز برحسب وظیفه اخلاقی در تشییع جنازه مادر یک تن از دوستان نهایت عزیز و محترم اشتراک داشتم، بعد از دفن میت در "قول آبچکان" بنا به خواهش دستورگونه دوست عزادار، راهی منزل شان شدیم. وقتی به منزل شان رسیدیم در آنجا متوجه شدیم که به علاوه ما که با سرویس از آرمگاه تا منزل آمده بودیم چند موتر تیز رفتار نیز با ما همراه حرکت نموده بودند. در بین راکبین آن موتر ها، فردی که می شد حدس زد بین ۵۰ الی ۵۵ سال سن داشت، با چند تن از محافظانش نیز حضور داشت. علی رغم آن که دوست مرده دار ما شخصاً وی را نمی شناخت، مگر روی نزاکت های اجتماعی و احتمال این که ممکن از طرف سایر عزاداران دعوت شده باشد، با احترام زیاد از وی خواهش نمود تا وارد منزل شود.

مهمان نا خوانده که از قیافه اش معلوم می شد می باید از "جهادی" هائی باشد که به طالب پیوسته است، ضمن آن که با همان دیده درائی و بی شرافتی خاص جهادی ها و با نوعی تبختر طالبی وارد حیاط و اتاقی که به همین منظور آماده شده بود، گردید به دو تن از محافظانش دستور داد تا با وی وارد اتاق گردند و به بقیه فهماند که در داخل حیاط منتظر باشند.

اهل مجلس که در همان اتاق بین ۲۰ الی ۲۵ نفر می شدیم، تعدادی از احتیاط و جمعی هم چون این قلم بر مبنای احترام به میت، هم ساکت نشسته منتظر بودیم تا بعد شنیدن یکی دو آیت، نان را خورده، راهمان را گرفته، دنبال کار و زندگی خود روان شویم.

چند لحظه از نشستن ما نگذشته بود، که جهادی پر رو و بی حیاء که اکنون گستاخی، زورگوئی و حماقت طالب را نیز با خود حمل می نمود، به مصداق ضرب المثل "خود بریدن و خود دوختن" یکنوع پولیمیک با خودش را آغاز نموده، به دفاع از سیاست های مالیاتی طالب و گرفتن "عشر" و "زکات" از جانب نظام ملاسالار پرداخت.

وی که گفتم پرروئی و دیده درائی را از جهادی ها آموخته بود، در ضمن گفتارش با حمله شدید بر مردم افغانستان در کل به خاطر گویا همراهی و حتا تحمل اشغال از طرف مردم، قاطبه ملت افغانستان منهای طالب را قابل مجازات دانسته، با گستاخی تمام گفت:

"همین که مردم را زنده مانده ایم، باید شکر خدا را بکنند. همین که می گذاریم نفس بکشند و از آنها عشر تنفس در فضای وطن را مطالبه نمی کنیم، باید شکر گزار باشند."

طرز صحبت آن نا انسان بی مایه و بی خرد و زورگوئی اش چنان بود، که نه تنها من زبانم را قورت نمودم و لام تا کام حرف نزدم، بلکه بقیه حضار از موسپیدان تا جوانان هیچ یک در صحبت هایش مداخله نکردند. همه ما گذاشتیم هر چه می خواست گفت و به هر استقامتی که می خواست تهدید کند، کارش را انجام دهد.

وقتی نان خورده شد و دعا خوانده شد و اکثریت خداحافظی کرده رفتند، من با دوستم و برادارنش تنها ماندیم، اولین سؤال ما از یک دیگر این بود "مهمان ناخوانده که بود؟" سؤال دوم این که "چه کسی وی را دعوت کرده بود؟" وقتی هر دو سؤال بی جواب ماندند، متوجه شدیم که ممکن آمدن آن مهمان ناخوانده و ناشناس که تا آخر حتماً نگفت اسمش چیست و چه کاره است، یکی از تکنیک های استخباراتی طالب باشد که آگاهانه و هدفمند در چنین مجالس و محافل بدون آن که کسی دعوت شان کرده باشند، شرکت می نمایند تا هم بر فضاء حاکمیت و کنترل داشته باشند و هم دشمنان و مخالفان احتمالی شان را شناسائی و دستگیر نمایند.

هموطنان گرامی!

ما بر مبنای روابط اجتماعی عمیقی که با یک دیگر داریم ناگزیر در غم و شادی، در مرده و زنده همدیگر مان برسیم، طالب به تجربه دریافته است که ما افغانها بر مبنای عادت، در چنین مجالسی خیلی زود به طرح مشکلات و انتقادات ما از اوضاع داخل و خارج کشور می پردازیم. آنها آگاهانه می خواهند به حیث مهمان ناخوانده در چنین مجلسی اشتراک بورزند تا در گام نخست مانع تبادل نظر بین هموطنان ما بگردند و در ثانی وظایف استخباراتی شان را انجام داده مخالفان را شناسائی و با آنها برخورد قهری نمایند.

ما هم باید متوجه باشیم که وقتی در چنین مجالسی با افراد ناشناس روبه رو شدیم، قبل از آن که به سخن آغاز می نمائیم طرف را بشناسیم. به نظر من یکی از بهترین شیوه های شناخت و حتی تخریب وی این است که انسان با کمال احترام طرف را فقط در زمینه شغلی سؤال پیچ کند. "که است؟ شغلش چیست؟ از کجا آمده است؟ با صاحب مجلس چه نسبتی دارد؟ و ... مطالبی اند که می شود گفت ضمن آن که شناخت ما را از مهمان ناخوانده طالبی و غیر طالبی کامل می سازد وی را در موضع دفاعی نیز قرار می دهد.

هموطنان گرامی!

این که طالب به فکر گرفتن "عشر تنفس" افتاده و یا خواهد افتاد، زیاد بعید به نظر نمی رسد. تجربه ثابت ساخته است که هراندازه مردم عقب نشینی کنند و محافظه کارانه برخورد نمایند، حاکمیت های ضد مردمی بر تقاضا ها و خواستهای شان خواهند افزود. هر گاه فضاء همین طوری که است ادامه یابد، دیر یا زود طالب از ما "مالیه سرانه" تقاضا خواهد کرد که چیزی نیست به غیر از "عشر تنفس".

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!